

مقدمه

تاریخ ادبیات‌نگاری که از آغاز آن در ایران حدود یکصد سال می‌گذرد تحول مهمی در تحقیقات ادبی به شمار می‌رود زیرا با کوشش محققان و مؤلفان مجموعه تألیفاتی با عنوان «تاریخ ادبیات» یا عنوانهای دیگر پدید آمده است که هر یک از جهاتی در این قلمرو تحقیقی سودمندند. مؤلفان اطلاعات پراکنده‌ای را که در تذکره‌ها، آثار ادبی و منابع تاریخی و علمی وجود دارد در تألیفات خود گرد آورده، به تحلیل و پالایش آنها پرداختند و با بررسی و نقد احوال و آثار شخصیت‌های ادبی درهای تازه‌ای را به روی تحقیقات ادبی گشودند.

به رغم آنکه این آثار از جهت کمی و کیفی اهمیت زیادی دارند در شیوه تألیف بسیاری از آنها نارساییهایی به چشم می‌خورد که موجب کاهش ارزش تحقیقی‌شان شده است. وجود این کاستیها در بیشتر تحقیقات این دوره بدین سبب است که آنها بر مبنای اصول فن تاریخ ادبیات‌نگاری تألیف نشده‌اند. امروز تاریخ ادبیات‌نگاری یک فن محسوب می‌شود که اصولی دارد و هر مورخ ادبیات باید آنها را بشناسد و بر اساس آنها هدف و روش تحقیق خود را مشخص کند. برای شناخت اصول تاریخ ادبیات‌نگاری ضروری است مبانی نظری این قلمرو تحقیقی تعریف و تبیین شود. ورود به مباحث نظری موجب می‌شود تا این موضوعات تعریف و حدود آنها مشخص گردد: ادبیات، قلمرو تاریخی و جغرافیایی ادبیات، معیارهای تقسیم‌بندی دوره‌های گوناگون در ادبیات، نوع و میزان ارتباط مباحث سبک‌شناسی، نقد ادبی، بلاغی و دیگر فنون ادبی با ادبیات، رابطه وضعیت سیاسی و اجتماعی با ادبیات، رابطه علوم مختلف با آثار ادبی، نقش مشربهای فکری و علمی در آثار ادبی، تاریخ زبان، لهجه‌ها و گویشها، رابطه خط با ادبیات، رابطه هنر با ادبیات و ...

طبیعی است وقتی در قلمرو تاریخ ادبیات گام می‌گذاریم با موضوعات گوناگونی روبه‌رو می‌شویم که باید بدانیم به هر یک از این موضوعات تا چه حد توجه کنیم و آنها را در مباحث تاریخ ادبیات تا چه اندازه دخالت دهیم؛ انجام این کار یعنی آنکه ما مرزهای تاریخ ادبیات را مشخص سازیم. اگر با دقت حدود تاریخ ادبیات را تعیین نکنیم نمی‌توانیم برای تدوین کتاب تاریخ ادبیات به طرحی مشخص و مناسب دست یابیم و بر اساس این طرح روش مناسبی را به کار گیریم. کاستیهایی که در بعضی از کتابهای تاریخ ادبیات وجود دارد به این دلیل است که هنگام تألیف آنها حدود تاریخ ادبیات مشخص نشده و از آن تعریف روشنی ارائه نگردیده است. از این رو در تألیف مطالب هم طرح مشخصی وجود نداشته و هم از روش مطلوبی استفاده نشده است. با این مقدمات روشن می‌شود پیش از تألیف هر کتاب تاریخ ادبیات باید این مباحث به طور مبسوط و دقیق بررسی و تحلیل گردد و مبانی تاریخ ادبیات‌نگاری در حوزه ادبیات فارسی تبیین شود.

تاکنون درباره بررسی و تحلیل مبانی نظری تاریخ ادبیات در ایران کاری اساسی انجام نگرفته و درباره تعیین حدود تاریخ ادبیات و معرفی روش یا روشهای مناسب برای تدوین این دسته از تألیفات پیشنهادهایی که منطبق بر تبیین مبانی نظری این فن باشد ارائه نگردیده است. تنها مطالب محدود و کوتاهی درباره تعریف ادبیات و پاره‌ای مطالب دیگر نوشته شده که ارزش هر یک از آنها در جای خود محفوظ است اما نمی‌توان بر اساس آنها طرح روشن و جامعی برای تبیین اصول تاریخ ادبیات‌نگاری ارائه کرد.

از زمانی که طرح تألیف تاریخ ادبیات ایران در سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها «سمت» تصویب و آغاز گردید به شدت احساس نیاز شد که برای بررسی و نقد و تبادل نظر درباره مبانی تاریخ ادبیات‌نگاری گامهای مؤثری برداشته شود و زمینه طرح دیدگاههای مختلف در این باب فراهم گردد تا بتوان بر اساس آن طرحی مناسب برای تألیف تاریخ ادبیات ایران ارائه کرد و روشی مطلوب برای تدوین آن به کار گرفت. برای رسیدن به این مقصود پیشنهاد برگزاری نشست

علمی به مسئولان محترم سازمان سمت ارائه شد و آنها با سماحت از آن استقبال کردند و بی دریغ هر آنچه لازم بود برای برگزاری این نشست انجام دادند. این نشست علمی در تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۴ تشکیل شد و برنامه‌های آن در دو بخش به اجرا درآمد: در بخش نخست صاحب‌نظران و محققان مدعو آراء و حاصل تحقیقات خود را به صورت سخنرانی ارائه کردند و در بخش دوم در میزگردی علمی بعضی از مباحث نظری مانند تعریف ادبیات، تاریخ ادبیات و چگونگی تقسیم‌بندی دوره‌های مختلف در تاریخ ادبیات مطرح و درباره آنها بحث و تبادل نظر گردید.

برگزاری این نشست علمی اولین حرکت جدی برای بررسی و نقد مبانی نظری تاریخ ادبیات به‌شمار می‌رود. یکی از محورهایی که در این نشست علمی مطرح شد بررسی شیوه‌های تاریخ ادبیات‌نگاری در کشورهای بود که در زمینه تاریخ ادبیات‌نگاری سابقه زیادی دارند. گرچه ماهیت آثار ادبی هر کشوری به گونه‌ای است که نمی‌تواند در زمینه تاریخ ادبیات‌نگاری از دیگر کشورها تقلید کند اما آشنایی با معیارها و اصول این فن در کشورهای مختلف می‌تواند به انتقال تجربه‌ها و تبیین دقیق‌تر مبانی تاریخ ادبیات‌نگاری بیانجامد.

طبیعی است بررسی و تحلیل این مباحث آن‌قدر اهمیت دارد و گسترده است که برگزاری این نشست علمی برای رسیدن به مقصود، یعنی ارائه طرح جامعی به منظور تبیین مباحث نظری تاریخ ادبیات کافی نیست و ضرورت دارد نشستهای دیگری برگزار شود و مجال مناسبی برای بررسی، نقد و تبادل نظر در این زمینه فراهم گردد. چاپ مجموعه مقالات این نشست علمی از جمله کوششهایی است که در این مسیر انجام می‌گیرد.

در اینجا بر خود فرض می‌دانیم از استادان و همکاران محترم که با ارائه مقاله و حضور در میزگرد علمی در برگزاری این نشست مشارکت کردند و همچنین از رئیس محترم سازمان «سمت» استاد بزرگوار جناب حجت‌الاسلام و المسلمین آقای دکتر احمد احمدی، معاون محترم پژوهشی سازمان جناب آقای دکتر سید طه مرقاتی، سرکار خانم دکتر ملیحه صابری و آقایان دکتر ناصرقلی سارلی، مهدی

احمدی، مهدی بهنیافر و دیگر عزیزانی که در آن سازمان برای برگزاری این نشست و همچنین چاپ مجموعه مقالات حمایت، مساعدت و کوشش کردند صمیمانه سپاس‌گزاری کنیم.

سید علی اصغر میرباقری فرد